



ریاست جمهوری اسلامی، با حضور آیت الله موسوی اردبیلی، محمدعلی رجایی و آیت الله هاشمی رفسنجانی برای اداره امور اجرایی کشور تشکیل شد؛ پایان ریاست جمهوری اول.

■ پرونده گروگان های آمریکایی در مجلس اول

«همان طور که بارها گفته ام ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از اومی باشیم. ولی از آنجا که در آینده نزدیک، نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می نمایند، امر گروگان ها با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگان ها و امتیازاتی که در قبال آنان باید بگیرند، تصمیم گیرند، زیرا این مردمند که باید در جریانات سیاسی دخالت داشته باشند.» (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۱۶۱)

وقتی هفتم خرداد ۵۹ اولین دوره مجلس شورای اسلامی کار خود را شروع کرد، از ماجرای ۱۳ آبان ۵۸ و اشغال سفارت امریکا نزدیک به ۷ ماه می گذشت. اما دامنه این حوادث به اولین مجلس هم رسید. ۱۴ اسفند ۵۸ بود که امام خمینی، در پیامی با تشکیل کمیسیون بین المللی تحقیق برای بررسی جنایات شاه و دخالت های امریکادر ایران موافقت کرده و در خرداد ۵۹، حل و فصل نهایی مسأله گروگان ها را به مجلس شورای اسلامی سپردند. شاید این جزو اولین راه حل های ایران برای پایان این مسأله باشد. اما حجت الاسلام موسوی خوینی ها درباره تصمیمات گرفته شده برای حل آن می گوید: «باید برگردیم به زمانی که حضرت امام بیمار شدند و از قم به تهران آمدند و در بیمارستان بودند. آن ایام فشار زیادی برای آزاد کردن گروگان ها وارد می شد... من حاج احمد آقا رفیق خدمت امام در بیمارستان قلب و از ایشان پرسیدم که ما بالاخره چه باید بکنیم؟ فرمودند بهترین راه حل آن است که تصمیم گیری در این مورد را به عهده مجلس بگذاریم.»

■ موافقان و مخالفان در مقابل هم

پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی، امریکاطی نامه ای از مجلس خواست تا نسبت به آزادی گروگان ها تصمیم بگیرد، مجلس نیز در پاسخ به نامه امریکا نامه ای تنظیم کرد و از دولت امریکا خواست که متن نامه در رسانه های عمومی امریکا منعکس شود و گرنه دلیل بر عدم حسن نیت امریکا است. در برخورد اولیه، مجلس به دو گروه مخالف و موافق حل مسأله گروگان ها تقسیم شد. نمایندگان مجلس در ۱۰ جلسه علنی (۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۷ شهریور و یکم، ششم، هشتم و دهم مهر ۱۳۵۹) درباره مسائل مربوط به گروگان گیری بحث کردند. گروه موافق با آزادی گروگان ها در صورت پذیرش شرایط ایران توسط دولت امریکا و در صورت عدم پذیرش آن شرایط محاکمه گروگان ها و گروه موافق با محاکمه گروگان ها بدون بحث درباره آزادی آنها، جناح ملی - مذهبی، نهضت آزادی و طرفداران بنی صدر بیشتر به غرامت گیری و امتیاز گیری از اموال شاه و اموال بلوکه شده ایران و دست کشیدن از خصومت با امریکا اعتقاد داشتند؛ اما نمایندگان جناح اسلام خواهان هم ایستادگی در برابر امریکا و سر مشق دادن به ملت های دیگر بودند. جمعی از نمایندگان ابتدا پیشنهاد کردند که این مسأله در جلسه ای رسمی و غیر علنی رسیدگی شود تا با داشتن اطلاعات کامل در این زمینه تصمیم گیری شود. اما پس از اعلام نظر کمیسیون سیاست خارجی و استدلال مخالفان این پیشنهاد رأی نیارود. دستور جلسه ۲۷ شهریور، بررسی مسأله گروگان ها بود. در این جلسه تعدادی از نمایندگان، چهار سؤال پرسیده بودند و معتقد بودند قبل از رسیدگی

خمینی، مسئول رسیدگی به اختلافات پیش آمده شد و به روزنامه ها اخطار شد که از انتشار مواردی که باعث آشوب می شود، خودداری کنند. اما شروع کار این هیأت، هیچ تأثیری در جلوگیری از توسعه تحریکات و اغتشاشات نداشت. در این میان روابط میان بنی صدر با سازمان مجاهدین خلق گسترده تر شد. این چنین بود که مجاهدین خلق در ۱۸ خرداد ۱۳۶۰، حمایت کامل و یکپارچه خود را از بنی صدر اعلام و به نهادهای انقلابی و مسئولان حمله کرد و بعد در زمان بررسی طرح عدم کفایت سیاسی بنی صدر، سازمان مجاهدین خلق بیانیه داد که از رئیس جمهوری حمایت می کند و از هوادارانش دعوت کرد تا روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، در حمایت از بنی صدر به خیابان های پایتخت.

همزمان با این بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با صدور اطلاعیه ای نسبت به تحریکات ضد انقلاب هشدار داد و به زادن بنوی، سخنگوی دولت از برخورد قاطعانه قوای انتظامی با درگیری های خیابانی خبر داد. با این حال گروهی از هواداران سازمان مجاهدین خلق در روز ۳۰ خرداد به خیابان ها آمدند. روزنامه کیهان فردای آن روز در گزارشی با عنوان «هجوم مسلحانه مجاهدین خلق به مردم، با خشم انقلابی توده های مسلمان مواجه شد»، نوشت: «طی درگیری های وسیعی که روز گذشته در چندین نقطه تهران رخ داد، گروهی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران که به چاقو و اسلحه گرم مسلح بودند در خیابان ها به راه افتادند و طی درگیری هایی که به وجود آوردند، بر اساس آمار موجود در پزشکی قانونی ۱۴ مرد و دوزن را کشته و عده زیادی را مجروح کردند. تظاهرکنندگان در چندین خیابان از جمله خیابان سهروردی به اتومبیل های سواری و اتوبوس ها حمله کردند و تعداد زیادی از شیشه های اتومبیل ها را خرد کردند و در خیابان های دیگری ساختمان های مردم و اموال بیت المال آسیب رساندند. روز گذشته خیابان های طالقانی، ولی عصر، انقلاب و میدان فردوسی غرق در آتش و دود غلیظ لاستیک و تخته و جعبه مقوایی بود که توسط اعضا و هواداران جنبش ملی مجاهدین به آتش کشیده شده بود.» کیهان در ادامه

گزارش خود از تظاهرات حزب اللهی ها در ساعت ۱۸:۳۵ دقیقه خبر داده و

می نویسد: «در این ساعت گروهی از مردم در میدان فردوسی شروع به دادن شعار علیه بنی صدر کردند. این گروه در حالی که فریاد می زدند مرگ بر بنی صدر - خمینی عزیزم بگو تا خون بریزم، در خیابان قرنی دست به راهپیمایی زدند. در ساعت ۱۸:۴۵ یک ماشین سواری متعلق به سازمان صنایع ملی ایران توسط هواداران گروهک ها به آتش کشیده شد. در خیابان طالقانی مقداری خون ریخته شده که در کنار آن نوشته شده است: این خون یک برادر حزب اللهی است که در پشت جبهه به طرز غریبانه ای شهید شده است.»

وقتی در ۳۰ خرداد موافقان و مخالفان در خیابان ها برای هم خط و نشان می کشیدند، مجلس به کار خود مشغول بود. در روزهای ۳۰ و ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ مجلس طرح دو فوریتی «عدم کفایت سیاسی بنی صدر» را با ۱۷۷ رأی موافق، یک رأی مخالف (صلاح الدین بیانی) و

۱۲ رأی ممتنع (آقایان رضا صفهانی، هرای خلطیان، محمد مجتهد شبستری، محمد جواد حجتی کرمانی، محمد خلیلی، غلامعلی شهرکی، محمد هادی برومند، محمد شجاعی، محمد رجاییان و سید محمد مهدی جعفری) به تصویب رساند. این مصوبه طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جهت اتخاذ تصمیم نهایی، توسط رئیس مجلس، هاشمی رفسنجانی به امام خمینی گزارش داده شد و امام خمینی طی حکمی در اول تیرماه ۶۰، ابوالحسن بنی صدر را از سمت ریاست جمهوری عزل کرد: «پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.» بعد از پایان دوران ریاست جمهوری اولین رئیس جمهوری ایران، شورای موقت